

## آثار عتیقه هندوستان

تودهٔ مات هندوستان علاقهٔ زیادی بتاریخ و مسائل تاریخی ندارد. فقدان علاقهٔ این ملت بتاریخ بواسطهٔ اینست که در آن کشور تا زمان فتوحات اسلامی هیچگونه تاریخ مدونی وجود نداشت. تقریباً ناپهصد سال قبل در تواریخ آن کشور جز اسم چند نفر از معروفترین سلاطین اسمی از تاریخ باستان در میان نبود. در یکصد سال قبل که «پرنسپ» کاگرد قرائت خطوط قدیم آن کشور را کشف نموده بنیاد علم آثار عتیقهٔ هندوستان گذاشته شد و کتیبه‌های «اسوکا» امپراطور معروف، افسانه‌های نقوش در مسکوکات هندی که مربوط بدوره‌های مختلف بودند، و مشروحانی که جهانگردان

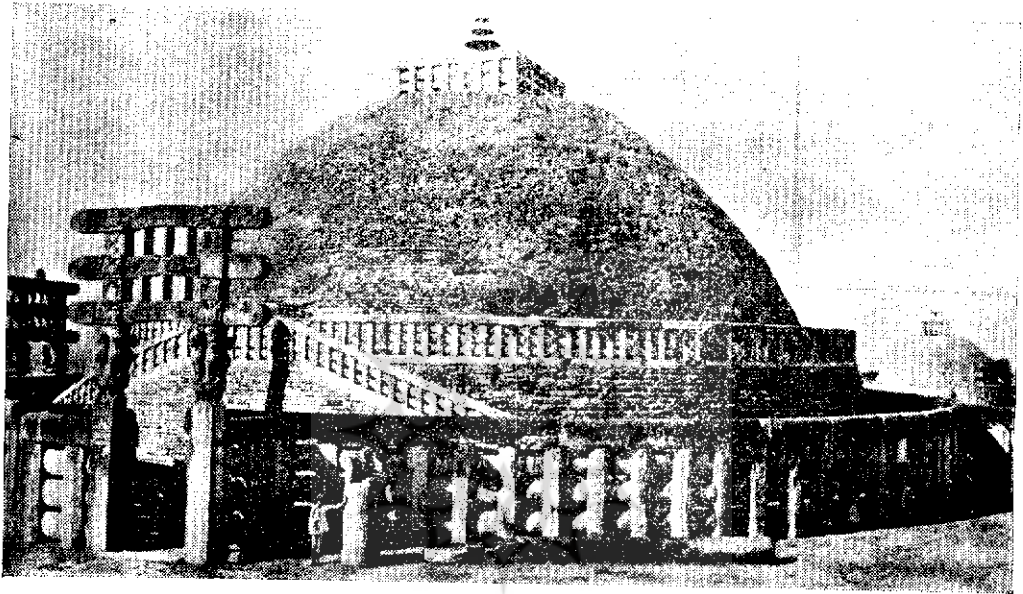
یونانی و مهاجرین بودائی چینی نگاشته و بنیاد کار گذاشته اند و وسیله‌ای بوده است که محققین توانسته‌اند شالودهٔ تاریخ این کشور را ولو بطور اختصار برای نخستین بار طرح ریزی نمایند. تقریباً هفتاد سال قبل دولت هندوستان شروع بیک سلسله تحقیقاتی را جمیع به آثار عتیقهٔ هندوستان نمود و برنامه‌ای ژنرال الکساندر کنینگهام ۳۴ که تحقیقات وی در تمام شب آثار عتیقه مخصوصاً در قسمت نقشه برداری در کمال وسعت بود شروع بکار کرد. هنگامی که لورد «کرزن» بنیان تحقیقات آثار عتیقه را بر روی اساس جدیدی گذاشت این علم بر پایهٔ صحیحی قرار گرفت و در مدت سی و سه سال که از آن تاریخ میگذرد هم در قسمت حفريات امکانه قدیمه و هم در حفظ وصیانت آثار باستانی يك سلسله فعالیت و مجاهدات متبادی و بلاانقطاع بعمل آمده و منتهی بیک رشته انکشافات ذریعت شده که هندوستان را در میان ملل قدیمه در ردیف اول و در خط مقدم دنیای باستان قرار می‌دهد. هیچ هیئت اکتشافیهٔ عامی در هیچ نقطهٔ دنیا نهار لحاظ وسعت دائرهٔ عملیات و نه از لحاظ نوالی ایام و طولانی بودن دوران بیدایش آثار عتیقه‌ای که مطابیح نظر آنهاست بپایهٔ هیئت



سریستونی از آثار حجاری هندی در دورهٔ «آسوکا» در قرن سوم پیش از میلاد

اكتشافی هندوستان نمیرسد. باینکه اكتشافات در هندوستان در این مدت قلیل منتج نتایج کاملارضابت بخش شده ولی هنوز در هر يك از ایالات این سرزمین وسیع میدان برای کار علماء عام آثار عتیقهٔ هندوستان باز است. تاریخ آثار عتیقهٔ هندوستان با قاطعات صیقایی سنگ هائی شروع می‌شود که در دوره‌های کنار رودخانه‌ها و فلات های آن کشور که انسان ماقبل تاریخی در آن نقاط اولین قدم را بسوی تکامل فرهنگ برداشت کشف شده است.

راه زول بهمود و آثار آن از صنعت هندوستان محو گردید. در دورۀ سلاطین گویتا، صنعت و هنر در هندوستان باوج اعلا رسید. حجاریهای این دوره در عین سادگی دارای شکوه و عظمت بوده و حاکی از کمال فن میباشد. بسیاری از نیم تنه های حجاری مکشتمه در غارهای اجانتا متعلق باین دوره است. بعد از دورۀ گویتا س در قرون وسطی صنعت و هنر روی انحطاط رفت و در این دوران صنعت تزئینی در آن حدود پیدا شد و صنعت آن سرزمین را تحت تاثیر خود قرار داد. مذهب بودا که عناصر صنعت و فرهنگ خود را در شرق حفظ کرده بود در معماری سبک بدیعی بوجود آورد



### معبدی از آثار بودائی «سانچی» در دو قرن پیش از میلاد

و در اثر حفاریهایی که بعمل آمده يك سلسله آثار معماری در این سرزمین پیدا شده که نخست در درجه کمال بوده و بعدا رفته رفته دستخوش زوال و انحطاط گردیده است. حفاریاتی که اخیرا در نالاندا ۳ که کرسی عالم و معرفت بودائی بود و همچنین در بهار بود که دارای معبد بسیار عظیم و دبری بسیار محتشم بود و در نواحی بنگال بعمل آمد منجر بکشف آثاری گردیده است که بهترین زمینها را برای تحقیق و تتبع در فرهنگ باستانی هند بدست محققین و اهل فن میدهد. تمایل فطری و طبیعی این مردم بدیانت و مسائل دینی باعث شده است که از آثار معماری آن سرزمین خیلی کم باقی مانده و آنهم که باقی است برای نشان دادن کیفیت این فن کافی بنظر نمیرسد. ولی در قسمت صنعت مربوط بمذهب باید قبول کرد که معابد این سرزمین مخصوصا آنهایی که از اول قرن دوم قبل از میلاد شروع شد بهترین دلیل هنرمندی و استادی معماران آن کشور بشمار میرود. در قرن وسطی که دیانت

کشف محل دوشهر در دهسال قبل که مربوط به چهار هزار سال قبل از میلاد میباشد حاکی از اینست که هندوستان در آن زمان در ردیف مثل تمدنه شمرده میشده . دامنه حفريات را تا کنون فقط در دو محل وسعت داده اند یکی در «موهنجا دارو» واقم در دره سند و دیگری هاراپا ۲ که واقع در پنجاب میباشد ولی در این دو ناحیه بعضی نقاط مهم دیگر نیز کشف گردیده است . مطابق دلالتی که بدست آمده میتوان تصور کرد که تمدن در این دو نقطه از دو جهت شروع با تشار نمود . یکی از جهت دره گنگ و دیگری از کانیوار ۳ . تمدنی که آثار آن بوسیله هیئت اکتشافیه علمی کشف شده قطعا مربوط بمردمی است که مدارج عالی تمدن را پیموده و در شهرهائی زندگانی میکردند که نشانه آنها با کمال مهارت طرح شده و دارای خیابانهای وسیع و عمارات عالی آجر کاری بوده است . این مردم دارای عقل و تدبیری شایان تحسین بودند و در هنر و صنعت و صنایع دستی و حجاری گوی سبقت از معاصرین ر بوده بودند .

با استیلاء نژاد آریین در اواخر هزاره چهارم قبل از میلاد ظاهر آ تمدن قدیم دستخوش زوال گردیده ولی بعضی از عوامل اصلی آن پایدار مانده و در هزاره بعد تحت تاثیر فرهنگ هندو قرار گرفته است . حتی در قرون ششم قبل از میلاد که دیانت و فرهنگ جدیدی در صفحات تاریخ این کشور طایع نمود رشته فرهنگ مادی تمدن سابق تا دوره های بعد امتداد یافت و در اثر حمایت اوسا امپراطور وقت دامنه آن ناقصی نقاط آن کشور کشید شد . فرمانهائی که از طرف این امپراطور صادر می گردید و در روی قطعات سنگ و ستون نقش می شد همه برای این بود که مردم را بطور طبع ، انتظام دوستی و مهر و مودت دعوت کند و آثار صنعتی زمان این سلطان حاکی از نفوذ و تاثیر صنعت و هنر آسیای غربی در صنعت آن کشور است .

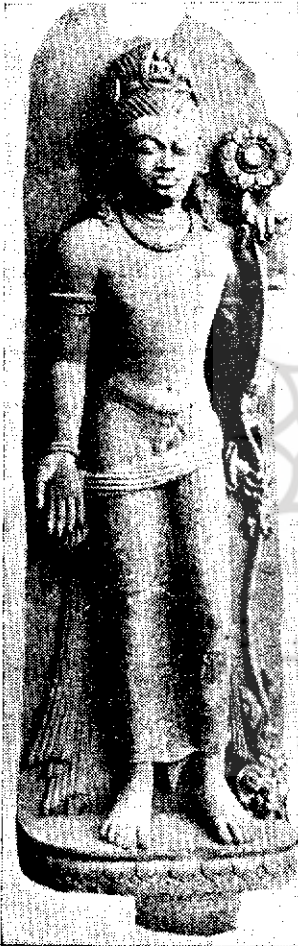
آثار بودائی دوره های بعد از قبیل آثار بهار هوت ۴ و سانسچی ۵ که مربوط بقرن دوم و اول قبل از میلاد است حاکی از یک سبک زیبای بومی است که عناصر دینی ازمنه سابق را ( از قبیل ذیروح دانستن درخت و پرستش مار ) با تعالیم و فرهنگ عالی بودائی در خود جمع دارد . در این آثار و در آثاریکه بعدها در ماگادها و کونیگوتتا ۶ واقع در جنوب بدست آمده عکس بودا و شاگردان او دیده میشود و این خود یکی از مشخصات هنر و صنعت بودائی در هندوستان است . در شمال غربی هندوستان مردم تمایل زیادی بروایات و حکایات داشتند و در این نقاط سطح قطعات سنگ را می کنند و حرارت را بر روی آنها مینگاشتنند و بدین وسیله عناصر مختلفه یارتی و سیتی ۷ و یونانی که پس از فتوحات اسکندر داخل این سرزمین شد در آثار صنعتی مختلط آسیائی و یونانی این سرزمین بخوبی هویدا و آشکار است . شهر عمده این ناحیه تا کسیرالا ۸ بود و در ریم قرن اخیر عملیات اکتشافی و حفاریهای متعدد در تحت نظر سرژان مارشال در این قسمت ادامه داشته و بدینوسیله عناصر مختلفه فرهنگی که جامم روح ملل مختلف از قبیل یونانی و مال آسیای مرکزی بود از هم تجزیه می شود و آشکار میگردد . ولی نفوذ روح صنعتی یونانی که محدود بشمال شرقی هندوستان بود طولی نکشید که

۱ - Mohengadaro . ۲ - Harappa . ۳ - Kathiawar . ۴ - Beharhut .

۵ - Sanchi . ۶ - Nagarjunicunta . ۷ - Scytian . ۸ - Taxila .

بودائی قوس نزولی خود را در پیش گرفته بطرف زوال رفت مذهب هندی زمینه‌ای برای رشد و نمو خود بدست آورد.

در معابدی که در آن زمان بوجود آمده تنها نفوذ صنعت تزئینی هویداست بلکه از لحاظ طرح و نقشه نیز کمال هنر آشکار است و از روی آنها میتوان پی برد که مولد يك سلسله



روایات عالی و روش مالی و وسعت تصور در عالم معماری میباشد. در شمال و جنوب آثاری پدید آمد که از لحاظ زیبایی شایان تحسین است ولی در معابد جنوب عنصر معماری با روح نام آثار عتیق بیشتر موافق و هم آهنگ است. با طلایه قرن سیزدهم روح صنعتی غرب در سرزمین هندوستان راه یافت. صنعت و هنر هندوستان که متوالیا تحت تاثیر روح صنعتی بین‌النهرین، ایران، یونان، یارت، و سیتی قرار گرفته بود در این موقع تحت نفوذ صنعت اسلامی آسیای غربی واقع شد. اما نیک جدید بطرز و روش معمولی شروع بکند کردند. اینها سبک مخصوص خود را با این سرزمین با هم آمیخته و سعی کردند این سبکها را بطوری که در وطن آنها معمول بود در میان اهالی این سرزمین نیز معمول بدارند. یکی ارقنیه‌ترین آثار اسلامی هندوستان عبارتست از قطب‌منار واقع در دهلی که اگر آنرا مثلا یکبارزه و نا کهان براق انتقال دهند مردم آن کشور آنرا از آثار مملکت خود تصور خواهند کرد. با وجود این چون معمارانی که این ابنیه بدست ایشان بوجود آمده هندی و دارای دیانت هندی بودند و از طرف دیگر موادی که در این آثار بکار رفته از معابد هندو تحصیل شده بود است معماری اسلامی را در هندوستان فوق العاده در نحت تاثیر خود قرار داده به بدین جهت است که صنعت اسلامی در هندوستان با آثار معماری ترکیه و مصر متفاوت است. روح تشبیه و تمثیل نیز که در تمام مدت تاریخی هندوستان در آن کشور وجود داشته در صنعتی که توسط فاتحین بداخل آن مملکت راه یافته بی تاثیر نبود. است و با اینکه فرهنگ اسلام در هندو بسیار با هم آمیخته یافته اند باز این تاثیر در آثار آن سرزمین آشکار و هویداست.

(مجسمه‌ای از آثار دوره کلاسیک  
صنایع هندو بین قرون ۶ و ۴ پیش از م.)

در دوران سلطنت سلاطین اسلام در بعضی از نقاط داخلی هندوستان بگونه سبک معماری اسلامی بومی بوجود آمد ولی در آثار هر یک از ایالات آن کشور دایمل روشنی در دست است که نشان میدهد که روح تزئینی از خارج آن نقاط راه یافته و در معماری‌های ایالات مزبور جای برای خود پیدا کرده است.

یکی از عالی ترین و کاملترین نمونه های معماری هندوستان تاج محال است. این سبک معماری غیر از هندوستان ممکن نبود در هیچ مملکت اسلامی دیگر بوجود آید. تناسب قطعات و عظمت و شکوه آن مولود روح صنعتی هندی است.

باهمه تحولانی که در طی پنج هزار سال عروض صنعت و هنر در هندوستان گردیده باز در گنه تمام آثار صنعتی آن کشور بگونه روح وحدت دیده میشود و یکی از مشخصات معماری و حجاری و سایر شعب فنون ظریفه آن کشور بشمار میرود. این وحدت اساسی و اصلی نتیجه و مولود نیرو و ایمان صنعتی آن کشور است که از منبم تمدن روحانی هندوستان که در تمام قرون مختلفه بیک حال مانده سرچشمه گرفته است. در تمام دوره های تاریخی صنعت و هنر کشور هندوستان مانند صنعت اروپائی در قرون وسطی دست نشانده و تابع اصول دینی آن کشور بوده و همین حقیقت مسلم اسرار زیبایی کم نظیر و وحدت صنایع هندوستان را آشکار میسازد.

## دل من شد چو دو چشم دژم دوست دژم

دل من شد چو دو چشم دژم دوست دژم  
 پیشه عشق همیشه نه چنین بود نعم  
 کیست کودل نکند وقف لب و چشم صنم  
 عز و ذل و بدو و نیک و عمل و عزل بهم  
 من بدین عیش و تعب بیش همی بینم و کم  
 مشک و می کو سبب لهو شد و موجب غم  
 دهنش هست بستگی سبب دهشت دم  
 چون دل معتمد ملک بتوفیق و هم

ادیب صابر

قدمن شد چو دو زلف بغم دوست بغم  
 عشق زلف و لب معشوق شکیم بستد  
 دل من وقف لب و چشم صنم گشت و سزید  
 چشم من چون خطبوزلفش بیندند بیند  
 لب و غمزه بهمه نوش همی بخشد نیش  
 سبب لهو و غم زلف و لبش گشت که دید  
 سخنش هست بتلخی سبب وحشت دل  
 زلف مشکینش بدل جستن من موصوفست